یادداشت

«اماس» و یک اضطراب بنیادین

عبدالرضا ناصرمقدسی*

● بیماران مبتلا به اماس یکی از پرشکایت‌ترین بیماران هستند. بیماران از همه‌چیز اعم از رنگ ناخن، گزگز چندثانیه‌ای، سردرد، نمره پایین در امتحانات و... شکایت می‌کنند. علت اصلی این موضوع نیز به‌دلیل این گزاره مهم است که آنها «هر تغییری در بدن و روان خود را منسوب به اماس می‌دانند.» درحالی‌که فرضا مبتلایان به سکته مغزی یا تشنج اینگونه نیستند. آنها عمدتا موضوعاتی را مطرح می‌کنند که به‌طور مستقیم مربوط به بیماری خود است. مدت‌هاست این سوال برای من وجود داشته که آیا این تفاوت عظیم، ناشی از شکل درگیری روانی و نیز شناختی در بیماران اماس است یا نه، موضوع دیگری در میان است که ما به آن توجه نکرده‌ایم؟

این چالش در من وجود داشت تا همین چندی پیش که کتاب برجسته «سورن کی یر کگارد» یعنی «بیماری به سوی مرگ» (رویا منجم، نشر پرسش، چاپ اول ۱۳۸۸) را خواندم و در آن با مفهوم عمیق اضطراب آشنا شدم.

اضطراب در بیماران اماس شکلی دوسویه دارد. از یک‌طرف آنها به‌شدت از حمله مجدد بیماری می‌ترسند. این ترس سبب می‌شود که هر علامتی را به اماس منتسب کنند. همانطور که گفته شد حجم عظیمی از شکایات بیماران مبتلا به اماس را مواردی شامل می‌شود که هیچ ارتباطی با بیماری اماس ندارند. از خارش پشت گوش گرفته تا تپش قلب و سوءهاضمه. به تجربه دریافته‌ام که چنین حجم شکایات بی‌ربطی در سایر بیماری‌های نورولوژیک دیده نمی‌شود. در پس این امر اضطرابی نهفته است که بیمار هر علامتی را به یک حمله جدید منتسب می‌کند و بنابراین آن را مهم و پراهمیت و قابل بیان می‌بیند. سویه دوم اما عمیق‌تر است. بیمار به علایم بی‌ربط کاری ندارد و این اضطراب برخلاف اضطراب پیشین موضوعی مداوم و ثابت است. اضطراب حاصل این تفکر است که مبتلایان به اماس دیر یا زود روی ویلچر خواهند نشست. به سخن دیگر اکثر مبتلایان به اماس پیشرفت را جزو ثابت این بیماری می‌دانند و بنابراین نوعی اضطراب زمان دارند: اینکه کی و چه زمانی روی ویلچر خواهند نشست؟ در کشور ما این اضطراب‌ها شکلی وجودی از بیماری اماس است که خود بر شدت این بیماری می‌افزاید. به زبان «کی یر کگارد» ناامیدی عمیقی به‌دلیل این اضطراب در بطن بیماری اماس وجود دارد و این ناامیدی ناشی از عدم سلامت است. اما چرا بیماری، ناامیدی به‌وجود می‌آورد؟

«کی یر کگارد» منشأ ناامیدی را در نوعی انفصال از نفس می‌داند. انگار انسان از خودِ «خود» راضی نیست و می‌خواهد آن را با چیزی دیگر جانشین کند. درحالی‌که رهایی در پیوند با خود اصلیش است. در زبان بیماری، یک بیمار از تن رنجور خود ناراضی است، ولی در مواجهه با بیماری مزمنی همچون اماس رهایی از این تن ممکن نیست. این است که بیمار ناامید می‌شود. این انفصال از خود واقعی، از تن بیمار، عملا سبب می‌شود که به‌قول «کی یر کگارد» بیمار «خود را تحلیل ببرد». راه‌حل ازبین‌بردن این اضطراب و ناامیدی ناشی از آن، پذیرفتن بیماری و تن بیمار است. مبتلایان به اماس باید پیش از هر اقدامی بیماری خود را بپذیرند. وقتی توصیف «کی یر کگارد» را از ناامیدی و منشأ آن می‌خواندم بیش از پیش به این نتیجه می‌رسیدم که توفق ذهنی بیماران بر بیماری خود یکی از مهم‌ترین جنبه‌های درمان را شامل می‌شود. بیماری که مبتلا به اماس است بنا به دلایل گفته‌شده از یک اضطراب عمیق و مستمر در رنج است. دعوت پزشک از بیمار برای پذیرفتن بیماری و سپس غلبه بر آن می‌تواند تاثیر بسیار عمیقی در نحوه برخورد بیماران با بیماری خود داشته باشد.

*** متخصص مغز و اعصاب**

عضو هیات‌علمی مرکز تحقیقات اماس ایران

گزارش میدانی «شرق» از دومنطقه حاشیه‌ای تهران

محله نسیه‌برها

فاطمه جمال‌پور

اینجا خبری از قصابی نیست، مردمش گوشت نمی‌خورند. محله‌ای که بقال‌ها سیاهه‌ای دارند از اسامی مقروضان. تک‌وتوک؛ حتی نان را هم نسیه می‌برند، لواش یا بربری. دوتا و سه تا و پنج تا هم ندارد. حتی اگر قیمتش یک اسکناس سبز هزار تومانی باشد. قیمتش؛ قدر نداریشان است. اینجا نوروزآباد است. محله‌ای اطراف اتوبان خلیج‌فارس و در حاشیه غربی تهران. سنجاق‌شده‌ای به منطقه ۱۸.

اوایل ماه رمضان بود که فاطمه دانشور، عضو شورای شهر تهران در یادداشتی در «شرق» با انتقاد از پهن‌کردن سفره‌های پرخرج افطاری از محله‌هایی نوشته بود که مردمش حتی پول خرید نان را هم ندارند و نسیه می‌برند نان را. جست‌وجوها به غرب تهران رسید، حاشیه آزادگان و خلیج‌فارس. برای پیداکردن نانوایی‌ها و بقالی‌هایی که گریزی جز نسیه‌دادن ندارند و اغلب مردم هم پولی برای نقدخریدن.

بقالی یک یخچال دارد که داخلش چندتایی شیر و آبمیوه است و در قفسه‌های نیمه‌خالی تخم‌مرغ و خرما و حبوبات و سویا جا گرفته. خبری از سوپرمارکت و هایپرمارکت‌ها یا قفسه‌های رنگ‌وارنگ و یخچال‌های ایستاده نیست. قفسه‌ها خالی و خلوت است. بقالی اتاق دومتری خانه است؛ درش باز می‌شود به اتاق پذیرایی. کنار اتاق یا همان بقالی، راهرویی است مفروش با فرش قرمز رنگ‌ورورفته. «سینک» ظرفشویی هم کنار همین راهرو قرار گرفته. در خانه باز است. می‌شود حتی از داخل بقالی سرک کشید به اتاق پذیرایی یا حتی اتاق‌خواب. یک کمد است و چند دستی رختخواب که رویش قرار گرفته و فرشی رنگ‌ورورفته.

دخترک با روسری گره‌خورده زیر چانه، بلوز و دامن چمباتمه‌زده گوشه راهرو در انتظار مشتری. چشم‌های درشت رنگی دارد. می‌آید داخل بقالی برای پاسخ‌دادن به سوال‌ها.

دخترک گره روسری‌اش را سفت‌تر و صدایش را صاف می‌کند. کمی هول شده. می‌گوید: «نسیه؟ زیاد می‌خرن. نسیه‌بخر زیاد داریم.»

سوال را تکرار می‌کند و می‌گوید: «نون قرضی؟ نونوایی‌ها دیگه زیاد نون قرضی نمیدن. دوتا نونوایی داریم، یکی بربری و یکی لواش و آدرسشان را می‌دهد. قصابی نداریم چون مردم کم گوشت و مرغ می‌گیرن، چون الان دیگه همه‌چی گرون شده.»

محله یک خیابان بزرگ است با حاشیه‌ای که پارک است و چند مجتمع مسکونی اول خیابان قد علم کرده‌اند. آن‌سوی خیابان اما کوچه‌های با آسفالت رنگ‌ورورفته و خاکی مشرف به خیابان اصلی است. انتهای خیابان سرای محله «نوروزآباد» در محوطه‌ای خالی بنا شده با نمای «کمپوزیت» نقره‌ای. کوچه‌ها به بن‌بست‌ها می‌رسد و خانه‌های یک‌طبقه و دوطبقه با متراژهای پایین ۴۰، ۵۰متری، وسط خانه‌ها کارگاه‌های صنعتی قرار گرفته‌اند. جلو در خانه‌ها زن‌های خانه‌دار نشسته‌اند، با چادرهای رنگی، دمپایی‌های پلاستیکی و پاهای خاک‌آلود. در محله خبری از آرایشگاه، باشگاه و خیلی چیزهای دیگر نیست. کم دارد. «نوروزآباد»، برخلاف اسمش، بویی از نویی نبرده است. دو زن چادررنگی نشسته‌اند بر لبه سیمانی و داغ خیابان و آن یکی با بلوز و دامن و شلوار بالای سرشان ایستاده. بچه‌های خردسال اطرافشان می‌پلکند. زن می‌گوید: «بنویس اینجا مشکلات زیاد دارد. به‌خدا می‌خوایم بریم آذری، باید پیاده بریم تا چارراه خلیج‌فارس، اونجا اتوبوس سوار شیم بریم آذری. باید پیاده بریم و بیاییم، اونجا اتوبوس یه‌ساعت میاد یه‌ساعت نمیاد. بنویس «نوروزآباد» مدرسه نداره.»

به یکدیگر تعارف می‌کنند کدامشان صحبت کند. یکی آذری حرف می‌زند و دیگری ترجمه و سرها به نشانه تایید بالا و پایین می‌رود. وضعیت اقتصادی اینجا خوب نیست. پایین‌شهره دیگه خودت که می‌دونی، اینجا همه مثل همند.

بازهم سوال با سوال تکرار می‌شود. تکراری از سر تعجب! «گوشت و مرغ؟ نه والا نمی‌خوریم. نداریم که بخوریم. چی بشه. اون سبد کالا خوب بود انگار جمعش کردن.» باز هم همه و سرهایی که به نشانه تایید بالا و پایین می‌رود: «میوه هم ماشین بیاد می‌خریم، نیاد نمی‌خریم.»؛ «ماشین بیاره میوه هست، نیاره نیست اینجا مغازه میوه‌فروشی نداره.»

کمی آن‌سوتر ماشین آمده و مردهای سیه‌پوش نفری یکی، دو کیسه خرید می‌کنند سه،چهاردانه شلیل یکی،دو خوشه انگور، تهش.

زن صدایش بلند می‌شود و می‌گوید: «الان من ۴۵متر خونه دارم، پنج‌نفریم. خودت ببین که چطوریه دیگه. رفتم واسه دورچینی خونه شهرداری میگه برو محضر. نمی‌دونم چیکار کنم. مادرشوهرم پیش ماس. اینجا خانه‌ها سند نداره قولنامه‌ایه. پله آهنی می‌خواستیم بذاریم شهرداری نذاشت. اقدام کردیم واسه سند ببینیم چی میشه.»

نشسته و باز هم قسم می‌خورد که: «به‌خدا شوهرم یه راننده مینی‌بوسه. یه‌روز کار می‌کنه پنج‌روز خرج ماشین.» اشاره می‌کند به بقالی روبه‌رویی و می‌گوید: «الان، من به همین بقالی روبه‌رویی ۶۰۰هزارتومن بدهکارم. اونم صاحب مغازه است بپرس.»

زنِ ایستاده صاحب بقالی روبه‌رویی است. می‌گوید: «آره؛ مردم ندارن، خب قرضی می‌خرند. سخت است، ندارند. یک‌میلیون، دومیلیون بردن پس ندادن. چیکار کنم ندارن، برم دعوا کنم؟ مشتری زیاد هست. می‌خرند اما همه قرضی می‌خرند.»زن سوم می‌گوید: «مشکلای ما زیاده خیلی (می‌خندد) شغل‌ها همه آزاده دیگه، یه‌روز کار هست، یه‌روز نیست، به‌خاطر همین یه‌کم تهیدستیم.»

آن‌طرف‌تر؛ در بن‌بستی باریک کنار جوی فاضلاب دو زن نشسته‌اند. یکی مشغول قلاب‌بافی است در گرمای ظهر تابستان تهران. می‌گوید: «گوشت و نون و مرغ چیه خانوم. آب افتضاحه. اصلا نمیاد. ما طبقه دوم زندگی می‌کنیم. سه نصفه‌شب باید پاشیم بریم حمام. بعد دیگه اتوبوس‌ها فقط تو شهرک می‌پیچن، در حالی‌که شهرک شماره دو هم اتوبوس به آذری دارد و هم آزادی. ما گفتیم یکی از این خط‌ها را بیندازند اینجا. ما باید برای این یه مسیر کوچیک راه اندازه سه‌چهارتا مسیر کرایه بدیم. یه مسیر بریم سرچارراه. یه کرایه بدیم چارراه پیاده شیم، برویم سر شماره دو و یه کرایه بدیم و بعد واسه آزادی و آذری یه کرایه بدیم تو این نداری.»انگار فقر روی چهره زنان اینجا هم نشسته، موهایی سفید، صورت‌های اصلاح‌نشده، چهره‌های شکسته، پاهایی که پوششان دمپایی پلاستیکی است و خاک‌آلودند. با چادرهای کودری رنگ‌ورورفته. زن با شتاب راه می‌رود. لخ‌لخ‌کنان. آه‌کشان می‌گوید: «مشکلات اینجا زیاد است. نه قصابی داریم نه مرغ‌فروشی نه وسایل‌فروشی. ماشین نداره برای رفتن‌و اومدن. مشکلش زیاده. شوهر من بیکاره. چهارتا بچه دارم. سخت است اما مجبورم بسازم.»

دوباره با تاکید می‌گوید: «شوهرم رنگ‌کار مبل است. می‌بینی یه‌هفته می‌رود یک‌ماه بیکار است. الان که همه‌چیز «امدی‌اف» شده اون هم بیکار شده، نه بیمه‌ای نه چیزی. خیلی سخت است. الان بچه مدرسه‌ای دارم نمی‌تونیم برسونیم. شهریه مدارس زیاد است. ۳۷تومن لباسشه، ۷۰تومن ثبت‌نامشه. دولتی هم هست. نداریم.» اشاره می‌کند به خانه‌اش و می‌گوید: «اینجا خونه است ما زندگی می‌کنیم؟ ۵۰متر خانه است. این چیه؟ زندگیه؟»

در کوچه‌های پایین‌تر هم وضع همین است. درهای بزرگ آهنی کارگاه‌ها، خانه‌های کوچک. آسفالت نیمه‌خاکی. زن جوان با همان پوشش دست دختر سه،چهارساله‌اش را گرفته و کشان‌کشان می‌بردش. چادرش را سفت چسبیده و حلقه کرده دور بینی‌اش. سایه‌ای از چشم‌هایش پیداست. می‌گوید: « اینجا یه مدرسه نداره. بچه‌ها باید از اینجا تا آب کرج بروند دنبال مدرسه، من زمستان و تابستان از اینجا تا آب کرج خودم تنها تو برف و بارون پیاده و تنها باید می‌رفتم و می‌آمدم تا دیپلم گرفتم. نیم‌ساعت مسافت. یک بیمارستان دم‌دست ندارد. من خودم حالم چندبار بد شده. بدحال میانداختنم تو آژانس می‌بردنم بیمارستان. فقط تا می‌تونن درخت کاشتن پارک درست کردن. پارک به چه درد مردم می‌خورده؟»

نانوایی، خلوت است. اینجا خبری از صف نان نیست. یه شاطر و دوتایی کارگر و باز هم تعارف حرف‌زدن. بالاخره یکی از کارگران که پسر جوانی است با موهای ژل‌زده و تی‌شرت و شلوار جین پوشیده می‌گوید: «تا دلتان بخواهد نسیه می‌برند، آره. می‌گن بعدا میاریم. مام میدیم، میگیم الله اعلم. حالا بعدا آورد آورد نیاورد هم چه‌کار کنیم؟»

با دستانش چانه می‌گیرد و ادامه می‌دهد: «معلوم نمی‌کنه، یه‌روز، دونفر میان نسیه می‌خوان، یه‌روز هیچی. یه‌روز پنج‌نفر. هزارتومن، دوهزار تومن. لواش را ۱۶۰قیمت زده‌اند اما ما ۱۵۰ می‌دهیم. چه‌کار کنیم سطح مردم پایین است. اینجا فقط همین دو، سه‌تا آپارتمان بچه تهرانند بقیه شهرستانی‌اند و سطحشان پایین است.»

دو کوچه پایین‌تر نان بربری است. پختش تمام شده و چندتایی نان روی پیشخوان مانده است. مرد نانوا باز سوالم را تکرار می‌کند: «نسیه!؟ نه نسیه نمی‌برن فقط در و همسایه میان می‌برن و بعدا پولش را میدن.»

جلو یکی از بقالی‌ها پیرزنی نشسته به جداکردن ذغال‌ها. صفی از النگوهای طلا دستش را حلقه کرده است می‌گوید: «هرچه می‌خوایی از پسرم بپرس.» پسر ۱۷، ۱۸ساله به نظر می‌رسد. می‌گوید: « بله؛ زیاد نسیه می‌گیرند. فقیر نیستند، دستشان به دهنشان می‌رسد. اکثر اونایی که آشنان نسیه می‌برند. از صدتا مشتری ۷۰تا نسیه می‌برند. مونده به طرفش که تا چقدر نسیه بدیم اگه خوش‌حساب باشه تا ۲۰۰هزار اگه خوش‌حساب نباشه همین ۱۰، ۱۵هزارتومن.»

در یک بقالی دیگر مردی جوان و پسر خردسالش پشت دخلند، مرد جوان می‌گوید: «هرکی میاد می‌خواد جنس نسیه ببره. ما نمی‌دیم. وضعیت اقتصادی مردم اینجا افتضاحه، همه اینجا کارگرن. بیمه ندارن. مستاجرن. هزارجور بدبختی دارن. نسیه یه‌موقع میبره برمی‌گردونه، خیلی کم مشتری اینطوری دارم که برگردونه، بیشتر میبرن و نمیارن. در روز پنج، شش‌تا مشتری داریم که نسیه می‌برن و نمیارن.»

پسربچه می‌پرسد: «بابا اون زنه که برد آورد؟» مرد فروشنده می‌خندد و می‌گوید: «نه نیاورد. اینجا که خوبه مردم حتی نونم قرضی میبرن.»

خلیج‌فارس نرسیده به آزادگان و در حاشیه خیابان خروجی خاکی به شهرک مفید می‌رسد. همه‌چیز اینجا شبیه هم است. ظاهر زنان و مردان، بافت منطقه و خانه‌ها و بالاخره حرف فروشنده‌ها. پیرمرد فروشنده سوپرمارکتی بزرگ که تقریبا از نوشت‌افزار و سیب‌زمینی و پیاز و خواروبار می‌فروشد می‌گوید: اینجا مشکلات زیاد است خیلی هم زیاد است. مشکل منطقه ۱۸ خصوصا اینجا، شماره دو. هیچ‌کس هم به داد ما نمی‌رسد. ضعیف‌ترین مردم تهران همینجان، شماره دو. هیچ‌کس هم نیست به داد مردم برسد. نسیه هم زیاد می‌برن بله.

دفترش را می‌آورد و شروع به ورق‌زدن می‌کند: «بله که نسیه می‌دیم. مجبوریم بدیم. بیش از ۱۵۰نفر نسیه میبرن در ماه. کلا همه. اینجا همه کارگرن. یه‌روز کار دارند سه هفته ندارند. همه کارمندای شهرک را جمع کنیم فکر نکنم ۲۰ تا شوند. مردم خدایی نه گوشت، نه مرغ و نه میوه می‌خورند. من پنج‌سال، ۱۰سال جنس دادم نیاوردن پس بدن، ندارن. دعوا هم که نمیشه کرد.»

دفتر را سر جایش می‌گذارد، از سر تاسف و ناچاری، سری تکان می‌دهد و می‌گوید: «مردم اینجا ضعیفند. شما اینجا قصابی دیدی؟ قنادی دیدی؟ آرایشگاه دیدی؟ اصلا اینا هیچی، پارک، ورزشگاه، یه آسفالت صاف دیدی؟ از همه شهرک، خرابتر شهرک مفید است. از نظر همه‌چیز. هرچی ضعیف‌ترن میان اینجا. ۵۰درصد ساکنان اینجا افغانند. چون ارزان‌ترین جاست. شهرداری منطقه ۱۸ هیچ‌وقت به اینجا نرسید الان هم نمی‌رسد. من ۲۹ساله اینجام. اهالی محل خودشان آسفالت و جوب‌ها را به‌سختی درست کردند. همین خود ما به هزار زحمت.» اشاره می‌کند به مردی که در چارچوب در ایستاده و می‌گوید: «با کمک همین‌ها درستش کردیم و بعد از آن هشت‌سال شهرداری یکم آسفالت با درگیری برایمان ریخت. آب هم که نمیاد اصلا. همه که پمپ ندارن. آب خراب است. وضع خیلی خراب است. سه‌ماه است دارند می‌کنند برای لوله‌کشی هنوز هیچی. ما کنار قرار گرفته‌ایم. آن‌ور منطقه ۲۱ است. این‌ور منطقه ۹. هرچی منطقه ۲۱ خواست تهرانسر را بگیرد منطقه ۱۸ نداد. درآمدش هم از همه مناطق تهران بیشتر است. معادن شن و ماسه و فرودگاه اینجان اما هیچ‌کس به اینجا نمی‌رسد.»

مرغ و خروس‌ها در کوچه می‌چرخند. زن دست پسر برهنه‌اش را می‌کشد می‌بردش لبه جوی می‌شویدش و دوباره پسربچه را گریه‌کنان می‌کشد داخل خانه. بچه‌ها وسط کوچه مشغول بازی‌اند. یک آجر را علم کرده‌اند و با سنگ نشانه‌اش می‌گیرند.

اسباب‌کشی «دانشگاه آزاد» از پاسداران به پونک

واحدهای تهران غرب، مرکز، شمال و پزشکی دانشگاه آزاد تجمیع می‌شوند

محمدحسین نجاتی

ساختمان‌های مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی پس از سال‌ها جا خوش‌کردن در خیابان پاسداران، در منطقه پونک تهران تجمیع شدند. اقدامی که به گفته مسوولان دانشگاه آزاد اسلامی با پیشرفت ۹۵درصدی و رضایت ۸۵درصدی کارکنان این دانشگاه همراه بوده است. ساختمان‌های مرکزی این دانشگاه از ابتدای تاسیس آن در خیابان پاسداران تهران و در ۱۳ ساختمان با مساحتی به شعاع ۱۲کیلومتر پراکنده بودند. حالا به گفته محسن هاشمی معاون عمرانی دانشگاه آزاد اسلامی، تمامی فعالیت‌های اداری در این دانشگاه در منطقه پونک و در مجاورت واحد علوم تحقیقات تهران صورت می‌گیرد.

در همین رابطه محسن هاشمی معاون عمرانی دانشگاه آزاد اسلامی می‌گوید: طرح تجمیع باعث افزایش استانداردهای آموزشی، پژوهشی و فرهنگی در دانشگاه آزاد اسلامی شده است و این طرح با موفقیت ۹۵درصدی انجام شد و بقیه مشکلات نیز در حال رفع‌شدن است. معاون عمرانی دانشگاه آزاد اسلامی با بیان اینکه تجمیع سازمان مرکزی با موفقیت انجام شده، اظهار کرد: طرح تجمیع، یک موضوع جدید نبوده و از زمان مدیران پیشین دانشگاه نیز مطرح بوده است. مهندس هاشمی درباره ضرورت تجمیع سازمان مرکزی گفت: پیش از این ساختمان‌های اداری و معاونت‌های دانشگاه آزاد اسلامی در منطقه پاسداران در ۱۳ ساختمان با مساحتی به شعاع ۱۲کیلومتر پراکنده بودند. به همین سبب مدیران سابق نیز به‌دنبال تمهیداتی برای ایجاد یک سازمان مرکزی بودند تا بتوانند کارمندان را در یک مجتمع اداری متمرکز کنند.

معاون عمرانی دانشگاه آزاد اسلامی در ادامه به مزایای طرح تجمیع سازمان مرکزی پرداخت و گفت: در طرح تجمیع، امکانات رفاهی مختلفی مانند سلف سرویس، مسجد، سالن همایش، ورزشگاه، سالن اجتماعات، ساختمان فرهنگی و... برای کارکنان و استادان دانشگاه در نظر گرفته شده است که پیش از این کارمندان در ساختمان‌های قدیمی پاسداران از این امکانات برخوردار نبودند. وی با بیان اینکه ساختمان‌های پاسداران، قدیمی و بعضا با عمر ۵۰سال بودند و کاربری اداری نداشتند، افزود: این ساختمان‌ها حتی فاقد امکانات ایمنی مانند پله فرار، سیستم اطفای حریق و... بودند که قابلیت پیشگیری از حوادث احتمالی یا کنترل آنها را نداشتند.

تغییر وضعیت بوروکراسی پیچیده در سازمان مرکزی

مهندس هاشمی تکریم ارباب‌رجوع را یکی دیگر از مزایای این طرح دانست و گفت: متاسفانه بوروکراسی پیچیده سازمان مرکزی و ساختمان‌های پراکنده باعث شده بود ارباب‌رجوع برای انجام یک کار اداری به چندین ساختمان مراجعه کند که با اجرای این طرح، این مشکل مرتفع شد و در بسیاری از هزینه‌های مختلف مانند نیروی انسانی و حمل‌ونقل صرفه‌جویی شد. معاون عمرانی دانشگاه آزاد اسلامی، ارتباط مستقیم مدیریت دانشگاه با کارمندان، معاونان و مدیران، افزایش کارآیی کارمندان، کاهش مصرف انرژی و تسهیل مکاتبات درون‌سازمانی را از دیگر مزایای این طرح برشمرد. وی با بیان اینکه طرح تجمیع باعث افزایش استانداردهای آموزشی، پژوهشی و فرهنگی در دانشگاه آزاد اسلامی شده است، گفت: خوشبختانه این طرح با موفقیت ۹۵درصدی انجام شد که باقی مشکلات نیز در حال رفع‌شدن است.

مهندس هاشمی خاطرنشان کرد: در سایت پونک ۳۰درصد بیشتر از فضای قبلی در اختیار معاونت‌ها و کارکنان سازمان مرکزی قرار گرفته است. وی با بیان اینکه طرح تجمیع سازمان مرکزی پس از تکمیل و افتتاح ۲۰هزارمتر فضای آموزشی و اداری در واحد علوم تحقیقات انجام شد، گفت: قبل از انتقال سازمان مرکزی به واحد علوم تحقیقات، ۲۰هزار متر فضای اداری و آموزشی در اختیار واحد علوم تحقیقات قرار گرفت و تا آخر شهریور نیز ۲۰هزار متر دیگر مانند کتابخانه و بخش اداری اضافه خواهد شد. مهندس هاشمی درباره امکانات سایت پونک گفت: حدود ۴۰هزار مترمربع در سه ساختمان اداری تحت عنوان بلوک‌های ۱-۲-۳، ۲۰هزار مترمربع ساختمان فرهیختگان و پارکینگ طبقاتی با ظرفیت هزارو۷۰۰ خودرو در اختیار کارکنان سازمان مرکزی قرار گرفته است. وی با بیان اینکه در مدیریت جدید دانشگاه از مهر ۹۲ تا امسال نزدیک به ۱۷۰هزار متر ساختمان تکمیل و در اختیار دانشگاه آزاد قرار گرفته است، گفت: در دو سال گذشته رکودی جدی در ساخت‌وسازهای واحد علوم تحقیقات به وجود آمده بود که خوشبختانه توانستیم پروژه‌ها را دوباره فعال کنیم و کم‌کم در اختیار دانشگاه قرار دهیم. مهندس هاشمی با اشاره به رضایت حدود ۸۵درصد از کارکنان سازمان مرکزی از انتقال به سایت پونک، تصریح کرد: در نظرسنجی که چند روز گذشته توسط دکتر میرزاده از پرسنل دانشگاه انجام شد، تنها حدود ۱۵درصد از آنها از این انتقال ناراضی بودند چراکه ملک مسکونی شان در شرق تهران واقع بود و بقیه پرسنل رضایت داشتند. معاون عمرانی افزود: در مجموع حدود ۶۰هزار مترمربع در اختیار کارکنان سازمان مرکزی قرار گرفته است. طبق استانداردهای جهانی برای هر کارمند فضایی حدود ۱۰ متر و پنج‌سانتیمتر مشاعات در نظر می‌گیرند و این در حالی است که در سایت پونک حدود ۱۵۰۰نفر در ۳۰هزار مترمربع (۶۰هزار مترمربع با مشاعات) مشغول کار هستند. اخبار تکمیلی پیرامون تجمیع ساختمان‌های دانشگاه آزاد مستقر در تهران مانند تهران مرکز، غرب، شمال، واحد پزشکی و واحد مجازی و تبدیل به احسن کردن املاک مازاد دانشگاه برای کمک به اجرای طرح تجمیع متعاقبا ارایه می‌شود.

واحدهای تهران تجمیع می‌شوند

علاوه بر بحث تجمیع مراکز اداری دانشگاه آزاد، این دانشگاه به‌تازگی به‌دنبال تجمیع واحدهای تهران خود است. محسن هاشمی دراین‌باره می‌گوید: واحدهای تهران غرب، مرکز، شمال، پزشکی از یک ساختمان مناسب و متناسب با شأن دانشگاه برخوردار نیستند به گونه‌ای که این واحدها در ۵۳ ساختمان و در مساحت ۳۰۰ کیلومترمربع در تهران پراکنده‌اند.

وی افزود: در واحد تهران مرکز حدود ۵۰هزار دانشجو، تهران شمال بیش از ۲۰هزار دانشجو، تهران پزشکی حدود ۲۰هزار دانشجو و در مجموع حدود ۱۰۰هزار دانشجو در واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی تهران مشغول به تحصیل هستند اما با این وجود هیچ‌یک از این واحدها دارای فیزیک و نمای مشخص نیستند. مهندس هاشمی با بیان اینکه دانشگاه محل تعامل دانشجو با محیط اطرافش است، گفت: دانشگاه دومین محیط زندگی دانشجو به شمار می‌رود. باید بتواند از محل تحصیلش لذت برده، به آن افتخار کند و فضای مناسبی برای تعامل با استادان و دانشجویان دیگر در اختیار داشته باشد.

معاون عمرانی دانشگاه آزاد اسلامی وضعیت واحدهای واقع در شهرستان‌ها را مناسب دانست و گفت: دکتر جاسبی در توسعه دانشگاه آزاد اسلامی زحمات بسیاری کشیدند. پس از ایشان نیز دکتر میرزاده با توجه به سابقه عضویت در هیات امنا و هیات موسس و همچنین آشنایی با محیط دانشگاه، موضوع تجمیع را در اولویت برنامه‌های خود قرار دادند.

وی افزود: به همین سبب طرح تجمیع سازمان مرکزی و واحدهای تهران اولین دستور رییس دانشگاه آزاد اسلامی به معاونت عمرانی بود که قرار شد اجرای این پنج طرح با اولویت ویژه ظرف مدت چهارسال انجام پذیرد. خوشبختانه با پیگیری‌های مجدانه ایشان، تجمیع سازمان مرکزی با موفقیت انجام شد.

نوبت اول

شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت ایران

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای
شماره (۹۳/۶۵۰/۱۰۴۸)

مناقصه گذار :شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت ایران منطقه لرستان
موضوع مناقصه :پیمان خدمات عمومی مرکز منطقه لرستان
مبلغ برآورد مناقصه : ۴/۱۳۸/۷۸۰/۲۷۲
نوع و مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: مبلغ ۱۹/۰۰۰/۰۰۰ ریال بصورت ضمانت نامه بانکی با واریز وجه نقد
ارائه گواهینامه تعیین صلاحیت معتبر از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در زمینه مورد نظر برای سال جاری
زمان و مهلت دریافت اسناد مناقصه : ظرف ۵ روز پس از چاپ آگهی نوبت دوم به استثنا روزهای پنجشنبه و جمعه
زمان و مهلت تکمیل و تحویل اسناد مناقصه : ۱۰ روز پس از آخرین مهلت دریافت اسناد
محل دریافت و تحویل اسناد مناقصه:
لرستان – خرم آباد - کیلومتر ۲۵ جاده خرم آباد / پلدختر شرکت خطوط لوله و مخابرات و نفت
ایران - منطقه لرستان امور حقوقی و قراردادها
زمان و محل گشایش پاکات : پیشنهادهای واصله در محل کمیسیون مناقصات و در زمان مندرج در اسناد مناقصه با ارسال دعوتنامه قبلی جهت حضور بازگشایی خواهد شد.
جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره های ۲۲۰۵۰۲۳-۰۶۶۱ و ۴۲۰۴۱۴۵ - ۰۶۶۱ داخلی ۹۵۰۴۸ تماس حاصل فرمایید.

WWW.IOPTC.IR WWW.SHANA.IR

روابط عمومی

خبر

معاون بهداشتی وزارت بهداشت خبر داد

ساخت هزارو۹۵۵ خانه بهداشت جدید در سال‌جاری

● **ایسنا:** معاون بهداشتی وزارت بهداشت گفت: امسال در راستای اجرای طرح تحول نظام سلامت، ساخت هزارو۹۵۵ خانه بهداشت جدید صورت خواهد گرفت. علی‌اکبر سیاری در دیدار با تعدادی از بهورزان، مربیان و کارشناسان بهورزی استان گلستان، اعلام کرد: در راستای اجرای بسته بهداشتی طرح تحول نظام سلامت مربیان بهورزی که قرار بود در مقطع فوق‌لیسانس ادامه تحصیل بدهند، این امکان برایشان میسر خواهد شد. در راستای اجرای طرح تحول نظام سلامت، ساخت هزارو۹۵۵ خانه بهداشت جدید امسال صورت خواهد گرفت.

رییس انجمن حمایت از بیماران کلیوی:

قاچاق کلیه ایرانی به خارجی‌ها توسط برخی پزشکان

● **فارس:** رییس انجمن حمایت از بیماران کلیوی با هشدار نسبت به فروش کلیه ایرانی به بیماران خارجی گفت: این بیماران با مدارک جعلی به ایران می‌آیند و برخی از پزشکان بدون بررسی مدارک، با دریافت دستمزدهای میلیونی کلیه ایرانی را به آنها پیوند می‌زنند. مصطفی قاسمی گفت: طبق قانون اهدای کلیه ایرانی به غیرایرانی ممنوع است اما متاسفانه چندین سال است که عواملی به‌عنوان دلال و واسطه با جعل اسناد، کارت ملی و شناسنامه، خود را به‌عنوان افراد ایرانی معرفی می‌کنند و در نتیجه کلیه ایرانی به آنها پیوند زده می‌شود. رییس انجمن حمایت از بیماران کلیوی تصریح کرد: به تازگی دو بیمار عربستانی برای انجام پیوند کلیه به ایران آمدند که متاسفانه یکی از آنها فوت شده است و در نتیجه از سوی سفارت عربستان این موضوع در حال پیگیری است و چندنفر از تیم پزشکی را در این پرونده دستگیر کرده‌اند و وزارت اطلاعات نیز وارد جریان شده است.

قاسمی گفت: متاسفانه برخی از پزشکان بر روی بررسی مدارک بیماران سهل‌انگاری می‌کنند در حالی که بیمار خارجی کاملا مشخص است که عرب یا افغانی است. در واقع برخی پزشکان پایبند به قانون نیستند و به‌راحتی مدارک جعلی را دریافت می‌کنند. وی تصریح کرد: از ۲۰سال پیش زنگ خطر اهدای کلیه ایرانی به خارجی را زده‌ایم به همین دلیل قانون آن تصویب شد اما می‌بینیم که از کشورهای عربی حاشیه خلیج‌فارس، آذربایجان و افغانستان برای انجام پیوند کلیه ایرانی به کشور می‌آیند.

جمعیت کم‌بینایان هفت‌برابر آمار نابینایان کشور

● **ایسنا:** مدیرکل مراکز توانبخشی روزانه سازمان بهزیستی به برنامه‌های این سازمان برای توانمندسازی کم‌بینایان کشور اشاره و اظهار کرد: در حال حاضر سه استان کشور در حال دریافت آموزش‌های لازم برای ارتقای توانمندی کم‌بینایان هستند. فاطمه نوپرست در نشستی خبری ضمن اعلام اینکه در حال حاضر سه استان کشور در حال دریافت آموزش‌های لازم برای ارتقای توانمندی کم‌بینایان هستند، اظهار کرد: جمعیت کم‌بینایان هفت‌برابر آمار نابینایان کشور است و باید توجه لازم به آنها وجود داشته باشد.

ربیعی خبر داد

اجباری‌شدن آزمایشات ژنتیک برای جلوگیری از تولد فرزندان معلول

● **ایسنا:** وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی گفت: به‌منظور جلوگیری از تولد فرزندان معلول آزمایشات ژنتیک پیش از ازدواج اجباری می‌شود. علی ربیعی با اعلام این مطلب در حاشیه بازدید خود از «مرکز آموزش معلولین جسمی و ذهنی خیریه عمل»، گفت: تصمیم‌گیری درخصوص این موضوع مهم برعهده شورایعالی بیمه است. وی با بیان اینکه برخلاف دولت گذشته در دولت یازدهم، شورایعالی بیمه به‌جای یک‌بار در سال حداقل تاکنون هشت نوبت تشکیل جلسه داده است، تاکید کرد: اقدامات قانونی دولت برای پیشگیری از استمرار تولد فرزندان معلول هیچ تعارضی با سیاست‌های توسعه جمعیتی ایران ندارد. وی در تشریح اهمیت نقش آزمایشات ژنتیک در پیشگیری از تولد فرزندان معلول گفت: به‌گفته مسوولان موسسه خیریه عم